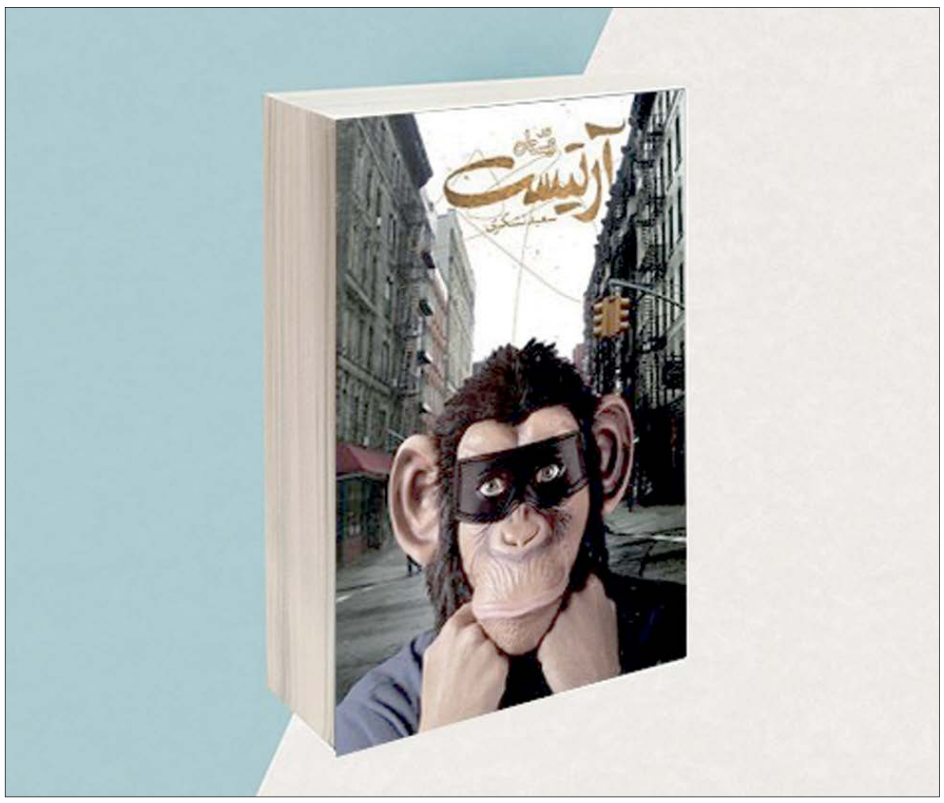
حاشیه‌ای بر رمان آرتیست؛ نوشته سعید تشکری

نویسنده، داغدار نابسامانی‌هاست



محمد اسماعیل حاجی‌علیان
داستان‌نویس

هرکتاب دنیای تازه‌ای را برای مخاطب تصویر می‌کند تا مخاطب دنیایش را دگرگون سازد و آنجا را جایی بهتر برای زندگی کند. از همین رو نویسنده‌ها مصلحان اجتماعی‌اند. انسان‌های زیرکی که دور دست را با چشمان تیزبین‌شان می‌بینند، دشواری‌ها و نواقص را کشف می‌کنند و با قلم شیوای خویش نقایص را به آدمیان نشان می‌دهند تا دنیا جای بهتری برای زندگی بشود. حکایت آرتیست سعید تشکری هم خارج از این قانون طبیعت نیست، حالا به امضای پولوس یا کنفوسیوس یا ملاصدرا یا هر اندیشمند دیگری درآمده یا نیامده باشد.

برای ورود به متن رمان آرتیست لازم است چندمسیر را برای مخاطب روشن کنم.

. چند سالمند پولداری که در خانه سالمندان بهشت ساکنند، می‌خواهند برای روز جهانی سالمند و جشن با شکوه سالانه آن، حال مدیر خانه سالمندان را بگیرند.

. نویسنده‌ای که از قضا تئاتری هم هست، برای ارتزاق مجبور به آموزش در مهد کودک‌ها و خانه سالمندان و فضاهای دیگر است. فراموشکار است یا بهتر است بگویم مشغله ذهنی فراوانی دارد و دلش می‌خواهد یك دفتر کار در نزدیکی حرم امام‌رضا داشته باشد.

. کوروش کوشا، سالمندی است که مثل دیگر سالمندان همنشینش، خانواده‌اش او را ازیاد برده‌اند. او می‌خواهد جایگاه سابقش را بازیابد.

. اصلان کوشا، بعد مرگ پدرش، میراثدار قرض‌های پدرش شده و می‌خواهد از مادر و برادر دیابتی‌اش حمایت کند.

. سعید پویا نینجوتسو کار می‌کند، ولی آن‌قدر خوب یاد نگرفته که در برابر حمله دیگران از خودش محافظت کند.

. کوروش کوشا زمین از یادرفته‌ای در تهران را فروخته و می‌خواهد با کمك نویسنده به اجتماع و جایگاه سابقش بازگردد. با پول می‌خواهد خوشبختی بخرد.

. سینا پسری زبر و زرنگ است و با یك تیم نوجوان کر و لال عروسك فروشی می‌کند.

. سعید پویا همراه کوروش کوشا به مسافرت می‌رود و قبول می‌کند تا کارگردان بازگشت به زندگی و دست یار کوشا باشد در مسیر بازگشت به اجتماع.

. سعید خانه پدری کوشا را با زیرکی می‌خرد و با کمك دوست هم‌دانشگاهی‌اش، بهرام بازسازی می‌کند.

. و همه قصه‌ها در هم گره می‌خورند.

مسیر دیگری که باید چراغان بشود؛ مسیر موقعیت‌هایی است که در حال انهدام هستند و با وضعیت گروهای مختلف در اثر نشان داده شده است.

. وضعیت سالمندان در جامعه کنونی

. وضعیت معیشت هنرمندان

. وضعیت کودکان کار

. وضعیت خانواده‌های ورشکسته مالی

. وضعیت معماری اصیل و کهن

. وضعیت رایج سودجویی از محبت دیگران

. وضعیت کارآفرینان بی‌پشتوانه و حامی

. وضعیت خانواده‌های بدون حضور بزرگ‌تر در جمع خانوادگی

سعید تشکری رمانش را در این مارپیچ شکل می‌دهد و به پیش می‌برد. تشکری برای شکل دادن داستان از شخصیت‌های اصلی؛ سعید پویا و کوروش کوشا، و شخصیت‌های فرعی؛ اصلان کوشا، سینا، شیرین رئوفیان، پوری و بهرام و دیگران مدد می‌گیرد تا این دنیا را به مخاطبش بشناساند. او که علاقه‌مند ادبیات کهن و تعلیمی ایران است در حین روایت داستانش، چهار محور آموزشی هم برای مخاطب درنظر می‌گیرد: ۱ـ مهربانی و مهرورزیدن به همنوع ۲ـ قضاوت نکردن دیگران ۳ ـ داستان چگونه نوشته می‌شود و شکل می‌گیرد. ۴ ـ ورزش رزمی نینجوتسو به عنوان ابزاری برای رسیدن به آرامش در این هیاهوی دنیا.

داستان از نگاه قالب فرمی، یك رمان واقعگرای اجتماعی و تعلیمی است. تشکری داستانش را با روایت مدرن (متاخر و نزدیك به پست‌مدرن) روایت می‌کند. البته به مولفه‌های مشترك بین مدرن و پست‌مدرن در روایت تاکید بیشتر شده است. از جمله؛ طنز در کلام و موقعیت، راوی کنشگر و مخاطب درگیر نوشتن داستان، روایت غیرخطی داستان و پرش‌های زمانی، کمك گرفتن از خرده روایت‌های متصل به شاکله اصلی روایت (مثل فیلمنامه صص ۱۳۸ـ۱۳۶)، داستان مقاله (درباره ورزش نینجوتسو) و روایت حلقه به حلقه مثل بازی هوش بهره می‌گیرد. نقل قولی از متن رمان برای این شیوه روایت است: «داستان مارپیچ، مسیری پیچ در پیچ را بدون یك جهت آشکار دنبال می‌کند. در طبیعت، مسیر پر پیچ و خم عبارت است از شکل رودها، مارها و مغز.» (ص ۲۰ رمان آرتیست)

این چیدمان و ساختار مهندسی رمان تشکری را خودش همراه پیشبرد داستان به مخاطب هم آموزش می‌دهد و او را درگیر فرآیند نوشتن داستان می‌کند، گویی مخاطب و نویسنده با هم این قصه را شکل می‌دهند.

نثر رمان، نثری گزارشی دارد و سلیس و روان است و همه فهم. کنکاش من در متن‌ها ناخواسته به سمت امکان‌های خوانش مختلف اثر هم می‌رود. در این اثر می‌خواستم ببینم آیا امکان دارد از این اثر خوانش فمینیستی شود؟ پس به‌دنبال مولفه‌هایش در متن گشتم. چند زن از شخصیت‌های فرعی رمان هستند. شیرین رئوفیان، ملیحه مادر اصلان، خانم محبی و دخترش و...

شیرین با این‌که در کارهای عام المنفعه فعال است، اما در برخورد با جامعه مردسالار، تسلیم و پذیرای شرایط موجود است. دیگر شخصیت‌ها هم ایضا.

نویسنده داخل رمان (سعید پویا) با این‌که عمری از گذشته و در میانسالی است، هیچ رد و نشانی از هیچ زنی در زندگی‌اش دیده نمی‌شود. نه در گذشته و مادر، نه در جوانی و نه در حال داستان و نه حتی در آینده مورد تصور و آرزوهایش. شخصیت‌های اصلی و فرعی تاثیرگذار رمان همه مردند و دنیای مردانه‌ای را ترسیم می‌کنند. البته این دنیا علیه زنان نیست و یك همنشینی مسالمت‌آمیز بین این دو نوع در داستان جریان دارد. با همه این تفاسیر این اثر قابلیت خوانش فمینیستی متاخر را ندارد.

و اما درباره شخصیت‌ها و نام‌گذاری آنها در رمان آرتیست: شخصیت‌های فعال و کنشگر رمان همه نام یا نام خانوادگی‌شان به حرف «آ» ختم می‌شود. پویا، کوشا، سینا و تاخا.

این واج‌آرایی کلام، در دریافت شخصیت کمك می‌کند. نویسنده (سعید پویا) از اول تا آخر داستان درحال تلاش است تا این اوضاع نابسامان اجتماع و قصه را سامان بخشد. نام سعید - کسی که کوشش و تلاش افزون دارد - انتخاب آگاهانه‌ای است و کارآمد. وقتی هم با نام خانوادگی‌اش پویا همراه می‌شود، تلاشش را دوچندان نشان می‌دهد. اشاره زیرکانه نویسنده است به آیه شریفه: «لیس للانسان الا ما سعی»

شخصیت‌های منفعل هم با نام‌های؛ شیرین، ملیحه، پوری، بهرام و اسی نامگذاری شده‌اند تا دریافت این معنا را برای مخاطب آسان‌تر کنند.

سعید تشکری در مقام رمان‌نویس، همه این شخصیت‌ها و موقعیت‌ها را تنها در ۱۴۴ صفحه قطع رقعی گردآورده و انتشارات نیستان در زمستان ۱۳۹۸، در روزهایی که جامعه درگیر ویروس کروناست، به زیور طبع آراسته است تا در این روزهای قرنطینه و خانه‌نشینی، کتاب خوبی برای خواندن و درس‌های برای مهربانی بی‌دریغ به همنوع داشته باشیم و فراموش نکنیم انسانیم و اشرف مخلوقات.

نویسنده:
سعید تشکری
انتشارات:
کتاب نیستان
۱۴۴ صفحه
۳۰۰۰۰ تومان

